

تأملی ریشه‌نگر در پیوندها

قرآن و سیاست

سیدمرتضی نبوی

مقدمه

برای فهم دیدگاه قرآن در مورد سیاست از سوالات زیر شروع می‌کنیم:

- ماهیت سیاست از نظر قرآن چیست؟
- چه اجزایی سیاست را تشکیل می‌دهند؟
- چگونه این اجزاء بر یکدیگر اثر متقابل می‌گذارند؟

باتوجه به اینکه واژه سیاست در قرآن به کار نرفته، ابتدا به ادبیات رایج در این باره رجوع می‌کنیم و تعاریف موجود درباره سیاست را استخراج می‌کنیم.

۱- تعاریف سیاست

- **سیاست**، رهبری صلح‌آمیز یا غیر صلح‌آمیز روابط میان افراد، گروهها و احزاب (نیروهای - برداشت واقع‌گرایانه یا سیاست قدرت محور - سیاست ابزاری برای حفظ نظم و امنیت و جلوگیری از آشوب و هرج و مرج و بی‌قانونی

اجتماعی) و کارهای حکومتی در داخل کشور و روابط میان یک دولت با دولتهای دیگر در عرصه جهانی است.^(۱)

- **سیاست**، عموماً به مفهوم عمل اخذ تصمیم و اجرا برای کل جامعه است. پس در سیاست عمل، عامل و موضوع عمل وجود دارد. عامل عمل سیاست، حکومت و یا نهادهای تصمیم‌گیری و اجرایی دولت هستند. موضوع عمل، گروهها، افراد و بخشهای مختلف جمعیت اند. دولت برای اخذ و اجرای تصمیمات به عنوان سیاست، نیازمند قدرت و توجیه قدرت یعنی اقتدار، مشروعیت و ایدئولوژی است.^(۲)

- است.^(۳)
- برداشت فلسفی و اخلاقی از سیاست - سیاست و قدرت فی نفسه هدف نیست بلکه ابزار و وسیله‌ای برای رسیدن به هدفی والاتر چون خیر و سعادت و فضیلت همگانی است.^(۴)
- برداشت حقوقی از سیاست - سیاست مهم‌ترین وسیله تضمین حقوق طبیعی افراد (حراست از جان و مال و آزادی) در مقابل قدرتهای مطلقه سیاسی و مذهبی تلقی می‌شد.^(۵)
- برداشت مدرن از سیاست - سیاست علاوه بر کارویژه‌های اولیه تأمین نظم، امنیت و دادگستری و دفاع خارجی، دارای کارویژه غائی تأمین حداکثر شادی برای حداکثر ممکن مردم است.^(۶)
- سیاست به قدرت و چگونگی توزیع آن می‌پردازد.^(۷)
- سیاست به غایت گسترده است و هر نوع رهبری مستقل در عمل را در بر می‌گیرد.^(۸)
- (ماکس وبر در کتاب سیاست به منزله یک حرفه)
- سیاست الزاماً موضوع حکومت نیست و تنها به فعالیتهای سیاستمداران مربوط نمی‌شود. در هر بافتی که در تلاش برای کسب یا حفظ مواضع رهبری، ساختار قدرت و مبارزه برای قدرت باشد، سیاست هم وجود دارد.^(۹)
- دولت یک جامعه انسانی است که با موفقیت، انحصار استفاده مشروع از اجبار را در سرزمین معین به خود اختصاص می‌دهد.^(۱۰) (ماکس وبر)
- سیاست به معنای تقلا برای سهم شدن در قدرت یا تلاش برای نفوذ در توزیع قدرت میان دولتها یا میان گروهها در درون یک دولت است.^(۱۱) (وبر)
- علم سیاست جامعه‌های دارای حکومت را بررسی می‌کند، یعنی جامعه‌ای را که اعضای آن، دست کم در مسائل معینی، به اطاعت از دستورات برخی از افراد یا مجموعه‌ای از افراد که بخشی از جامعه‌اند، خو گرفته باشند.^(۱۲) (سجویک)
- عمل سیاسی، عملی است که بر اساس قدرت انجام گیرد.^(۱۳) (رابرت دال)
- سیاست به توزیع آمرانه ارزشها برای جامعه مربوط است.^(۱۴) (دیوید ایستون)
- سیاست هنر استفاده از امکانات است.^(۱۵) (نولی)
- سیاست همه آن فعالیتهایی است که مستقیم یا غیرمستقیم با کسب قدرت دولت، تحکیم قدرت دولت و استفاده از قدرت دولت همراه است.^(۱۶) (نولی)
- سیاست حکومت کردن بر انسانهاست.^(۱۷) (کایتانو موسکا)
- سیاست علم فرمانروایی بر کشورهاست.^(۱۸) (فرهنگ لیتره)
- سیاست، فن و عمل فرمانروایی بر جوامع انسانی است.^(۱۹)
- ۲- اجزای سیاست**
- با دقت نظر در تعاریف یاد شده و استفاده از روش تحلیل محتوا واژه‌های کلیدی یا مفاهیم اصلی یا اجزای سیاست را استخراج می‌کنیم. در نگاه اول به واژه‌های زیر بر می‌خوریم:

- رهبری
- اطاعت
- روابط میان نیروهای اجتماعی
- حکومت
- روابط با دولتهای دیگر
- تصمیم گیری برای جامعه
- عمل سیاسی بر اساس قدرت
- عامل سیاسی
- موضوع عمل سیاسی
- دولت
- قدرت
- اقتدار
- مشروعیت
- ایدئولوژی
- نظم
- امنیت
- آزادی
- قانون
- سعادت همگانی
- خیر همگانی
- شادی
- فضیلت همگانی
- حقوق طبیعی (حفظ جان، مال و آزادی)
- عدالت
- دفاع
- سرزمین معین
- ارزشها
- امکانات
- فرمانروایی
- کشور
- در نگاه دوم این واژه‌ها را با توجه به
سنخیت آنها دسته بندی می کنیم.
الف- رهبری، حکومت، عامل سیاسی،
فرمانروایی، تصمیم گیری برای جامعه.
ب- نیروهای اجتماعی، جامعه، موضوع عمل
سیاسی.
ج- روابط میان نیروهای اجتماعی روابط با
دولتهای دیگر (دفاع) عمل سیاسی، قدرت،
اقتدار، اطاعت، انحصار، اجبار.
د- ایدئولوژی، مشروعیت، نظم، امنیت، آزادی،
قانون، فضیلت، سعادت، خیر و شادی همگانی
(حقوق طبیعی) حفظ جان و مال و آزادی، عدالت،
ارزشها، امکانات.
ه- دولت، (قلمرو، حاکمیت، جمعیت، حکومت)
در نگاه سوم و ژرف تر مفاهیم زیر قابل
انتزاع است.
- ۱-۱- اجزای اصلی سیاست**
الف- رهبری
ب- نیروهای اجتماعی (انسانها، احزاب و گروهها)
ج- ارتباطات
د- ارزشها
- ۲-۱- چگونگی اثر متقابل اجزاء سیاست بر
یکدیگر**
ارتباط انسانها با هم و با رهبری براساس ارزشها

۳- نسبت انسانها و ارتباطات اجتماعی چیست؟
۴- دیدگاه قرآن در مورد رهبری ارتباطات اجتماعی هستند.

اجتماعی چیست؟

۵- آیا برای حفظ و توسعه ارتباطات اجتماعی ضمانتی وجود دارد؟

۶- آیا قرآن متعرض قرارداد اجتماعی شده است؟

۷- دیدگاه قرآن در مورد دولت (قلمرو، جمعیت، حکومت و حاکمیت) چیست؟

۶- پاسخ به سوالات پیرامون ارتباطات اجتماعی در قرآن

اینک سعی می شود با مراجعه به قرآن کریم و برخی تفاسیر معتبر مثل «المیزان» اثر ماندگار علامه طباطبایی و «مجمع البیان» اثر جاویدان علامه طبرسی پاسخ سوالات پیرامون «ارتباطات اجتماعی» را بیابیم و به یاری خدا سیمای سیاست را در آئینه قرآن مشاهده کنیم.

۱-۶- نظر قرآن در مورد اصل برقراری ارتباط چیست؟

اصل برقراری ارتباط (مربطه) در آخرین آیه سوره آل عمران مورد تأکید قرار گرفته است (۲۰):
«ای کسانی که ایمان آورده اید صبر و استقامت داشته باشید و یکدیگر را به صبر و استقامت سفارش کنید و ارتباطات را برقرار کنید و تقوای الهی را پیشه سازید تا به سعادت (فلاح) دست یابید».

علامه طباطبایی در تفسیر این آیه بیان می دارد:

۳-۱- ماهیت سیاست

ماهیت سیاست عبارت است از رهبری «ارتباطات اجتماعی» بر اساس ارزشها

۴- تعریف واژه های کلیدی

رهبری - رهبری ارتباطات، شامل موارد ایجاد ارتباطات، تنظیم ارتباطات، مبادله ارزشها و راهبری به سوی اهداف اجتماعی می شود.

ارتباطات اجتماعی - ارتباطات اجتماعی شامل هرگونه ارتباط انسانها و نیروهای اجتماعی با یکدیگر می شود.

ارزشها - ارزشها، شامل ملاکها و میزانهای مورد قبول و متبوع و هرگونه خیر در جامعه می باشد.

۵- نتیجه مقدماتی

با تأمل و دقت در تعریف سیاست، واژه «ارتباطات» به عنوان متغیر اصلی و مستقل سیاست، خودنمایی می کند. در نتیجه برای فهم سیاست از دید قرآن کریم باید موضوع «ارتباطات» را در این کتاب الهی مورد بررسی قرار دهیم و پاسخ سوالات زیر را جویا شویم:

۱- نظر قرآن در مورد اصل برقراری ارتباط چیست؟

۲- آیا قرآن در مورد چگونگی و کیفیت ارتباطات، ملاکها و میزانهای خاصی را در نظر دارد؟

«این آیه به منزله خلاصه‌گیری از بیان مفصلی است که در سوره آل عمران آمده و می‌خواهد از آن آیات برای ما نتیجه‌گیری نماید. امری که در این آیه آمده یعنی «اصبروا»، «صابروا»، «رابطوا» و «اتقوا» همه مطلق و بدون قید است، در نتیجه صبرش هم شامل صبر بر شدائد می‌شود و هم شامل صبر در اطاعت خدا و همچنین صبر بر ترک معصیت و به هر حال منظور از آن صبر تک تک افراد است، چون دنبالش صبر را بر صیغه مفاعله «صابروا» آورده که در مواردی استعمال می‌شود که ماده فعل بین دو طرف تحقق می‌یابد.

مصابره عبارت است از اینکه جمعیتی به اتفاق یکدیگر اذیتها را تحمل کنند و هر یک صبر خود را بر صبردیگری تکیه دهد و در نتیجه برکاتی که در صفت صبر هست دست به دست هم می‌دهد و تأثیر صبر بیشتر می‌گردد و این معنا امری است که هم در فرد (اگر نسبت به حال شخصی او گرفته شود) محسوس است و هم در اجتماع (اگر نسبت به حال اجتماعی و تعاون او در نظر گرفته شود) چون باعث می‌شود که تک تک افراد نیروی یکدیگر را به هم وصل کنند و همه نیروها یکی شود و انشاءالله به زودی بحثی مفصل در این باره در جای خود خواهیم کرد.

ورابطو

مربطه (ارتباطات اجتماعی) از نظر معنا اعم از مصابره است چون مصابره عبارت بود از وصل کردن نیروی مقاومت افراد جامعه در برابر

شداید و مربوطه عبارت است از همین وصل کردن نیروها، اما نه تنها نیروی مقاومت در برابر شداید، بلکه همه نیروها و کارها در جمیع شئون زندگی دینی، چه در حال شدت و چه در حال رخا و خوشی، «و چون مراد از مربوطه این است که جامعه به سعادت حقیقی دنیا و آخرت خود برسد - و اگر مربوطه نباشد گو اینکه صبر من و تو به تنهایی و علم من و تو به تنهایی و هر فضیلت دیگر افراد، به تنهایی سعادت آوراست، ولی بعضی از سعادت را تأمین می‌کند و بعضی از سعادت، سعادت حقیقی نیست - به همین جهت دنبال اصبروا و صابروا و رابطوا اضافه کرد: **وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ** که البته منظور از این فلاح هم فلاح (سعادت) تام حقیقی است». (۳۱)

۱-۱-۶- امر قرآن به اجتماع ونهی از تفرقه و اختلاف علامه طباطبایی در تفسیر آیه ۲۰۰ آل عمران (آخرین آیه سوره) به مطلب مهمی اشاره کرده‌اند و آن اینکه، این آیه (۲۰۰) به منزله خلاصه‌گیری از بیان مفصلی است که در سوره آمده است. اگر با این نگاه سراغ سوره برویم آن را از ابتدا تا انتها مورد مطالعه قرار دهیم، مسائل بسیار مهمی در مورد «ارتباطات جمعی» از جمله ضرورت اصل برقراری ارتباطات روشن می‌شود.

آیه ۱۰۳ سوره آل عمران (۲۲) «همه با هم به ریسمان الهی چنگ زده و از تفرقه پرهیزید و به یاد آرید این نعمت خدا را، که شما با هم دشمن بودید، خدا در دل‌های شما الفت و مهربانی انداخت و همه به لطف خدا برادر دینی یکدیگر

شدید، در صورتی که در پرتگاه آتش بودید، خدا شما را نجات داد، باری بدین مرتبه وضع خداوند آیاتش را برای شما بیان می کند».

آیه ۱۰۵ سوره آل عمران (۲۳) «و مانند مللی نباشید که پس از آنکه آیات و ادله روشن از جانب خدا برای هدایت آنها آمده، باز راه تفرقه و اختلاف پیموندند که البته برای چنین مردمی عذاب خواهد بود».

۶-۱-۲- انسان و اجتماع (۲۴)

«اینکه انسان موجودی است اجتماعی» احتیاج به بحث زیادی ندارد، چرا که فطرت تمامی افراد انسان چنین است. تا آنجا هم که تاریخ نشان داده هر جا بشر بوده اجتماعی زندگی کرده و آثار باستانی هم این مطلب را ثابت می کند. قرآن کریم هم با بهترین بیان در آیاتی بسیار از این حقیقت خبر داده، از قبیل آیه: (۲۵) ای مردم ما شما را از یک مرد و یک زن آفریدیم و شعبه شعبه و قبیله قبیله تان کردیم تا یکدیگر را بشناسید (و بدانید که نژاد و قوم مایه افتخار نیست)، گرامی ترین شما نزد خدا با تقوی ترین شمایند...»

۶-۱-۳- اسلام و عنایتش به امر اجتماع (۲۶)

«هیچ شکی نیست در اینکه اسلام تنها دینی است که بنیان خود را بر اجتماع نهاد و این معنا را به صراحت اعلام کرده و در هیچ شأنی از شئون بشری مسئله اجتماع را مهمل نگذاشته...» خداوند متعال فرمود (آیه ۱۰ سوره حجرات)

ارتباط مؤمنان با یکدیگر تنها براساس برادری

است، پس رابطه بین برادران خود را اصلاح کنید. و (انفال آیه ۴۶) منازعه مکنید که سست می شوید و نیروهایتان هدر می رود. و (مائده آیه ۲) یکدیگر را در کار نیک و تقوی یاری دهید. این آیات و دیگر آیات قرآنی امر می کند که جامعه اسلامی براساس اتفاق و اتحاد بنا شود تا بتواند به منابع و مزایای معنوی و مادی و توان دفاع از خود دست یابد.»

۶-۲- آیا قرآن در مورد چگونگی و کیفیت ارتباطات ملاکها و میزانهای خاصی را در نظر دارد؟

قرآن کریم بعد از آنکه روی ضرورت ایجاد ارتباطات اجتماعی تأکید می کند، برای چگونگی آن نیز میزانها و ملاکهای مشخص را ارائه می کند. در بررسی آیه ۲۰۰ آل عمران دیدیم که بعد از امر به (ابطوا - ارتباط برقرار کنید) عبارت (واتقوا الله - تقوای الهی را رعایت کنید) قرار گرفته است، یعنی باید در برقراری ارتباطات ملاکها و میزانهای قرآنی را با دقت رعایت کرد. با دقت در آیات سوره آل عمران و دیگر

سوره ها مشخص می شود که میزان و ملاک ارتباطات اجتماعی «کتاب و حکمت» می باشد. رسالت انبیای الهی تعلیم کتاب و حکمت به مردم بوده است تا استحکام ارتباطات تأمین و اختلافات تفرقه ها منازعات اجتماعی به نحو قاعده مند حل شود.

کتاب خدا - آیه ۲۳ آل عمران: «آیا نمی نگرید

به کسانی که بهره‌ای از کتاب یافته‌اند (اهل کتاب) وقتی دعوت می‌شوند تا کتاب خدا بین آنها حکم کند، گروهی از آنان روی می‌گردانند؟»

آیه ۱۰۳- آل عمران - «با هم به ریسمان خدا چنگ زنید و...» ریسمان خدا (جل الله) در مجمع البیان ذیل همین آیه به «قرآن»، دین خدا، اسلام و عترت رسول خدا تفسیر شده است.

آیه ۱۶۴ - آل عمران - «همانا خداوند بر مؤمنان منت گذاشت که رسولی از خودشان در میان آنان برانگیخت که بر آنها آیات خدا را بخواند و نفوسشان را از آلائش و نقص پاک گرداند و کتاب و حکمت را به آنان بیاموزد، هر چند از پیش گمراهی آنها آشکار بود.»

آیه ۶۳- زخرف - «و چون عیسی (ع) با ادله روشن آمد، گفت به تحقیق برای شما حکمت آورده‌ام تا بعضی از مسائلی را که در آن اختلاف دارید برای شما بیان کنم، پس تقوای الهی را مراعات و از من اطاعت کنید.»

۱-۲-۶- توضیحاتی در مورد کتاب و حکمت کتاب - کتاب در حقیقت اشاره به مجموعه وحیی است که به هر پیامبر شده است و کتاب رسول اسلام همان قرآن کریم می‌باشد.

حکمت - در مورد حکمت مجمع البیان ذیل آیه ۳۲ سوره بقره توضیحات زیر را دارد:

«حکمت نقطه مقابل سفاهت است، حکیم کسی است که مانع از فساد می‌شود. حکمت عاملی است که انسان را ملازم حق، همان حقی که باطلی در آن راه ندارد و ملازم صدق، صدقی

که مخلوط به کذب نیست، نگاه می‌دارد. انسان حکیم کسی است که در راه او اصول علم و معرفت جمع است.

حکَم، یَحکُمُ در مورد حکم کردن در بین مردم است و حُکْمُ یَحکُمُ یعنی حکیم شد و حکمت در انسان عملی است که صاحبش را از جهل دور می‌دارد. حکیم در مورد خدا احتمال دارد دو معنا داشته باشد یکی به معنای عالم که در این صورت از صفات ذات خداست و خدا به این دو صفت وصف می‌شود، معنی دیگر این است که کارهای او از استحکام برخوردار است، که در این صورت حکیم به معنی محکم کننده از صفات فعل است و معنایش این می‌شود که افعال خدا همه‌اش حکمت و درست است و در راه آن اختلاف نیست و واجد هیچ یک از بدیها نیست.

نتیجه: حکم کردن از (حکَم) و حکومت کردن از ریشه است و حکمت از حُکْم می‌باشد و حکومت از این ریشه نمی‌باشد. این مطلب در کتاب لغت المنجد نیز به همین صورت است.

۱- حُکْمُ یَحکُمُ - حُکْمًا وَ حُکُومَهُ بِالْأَمْرِ وَ لِلرَّجْلِ او علیه و بینهم: قضی و فصل

۲- حُکْمُ یَحکُمُ - حُکْمًا وَ حُکُومَهُ فِی الْبِلَادِ: تولی اداره شئونها فهو حاکم ج حکام.

الحکم ج حکام = تولی اداره البلاد. الحکومه (نص): ارباب السیاسه و الحکم الهیئه الحاکمه المؤلفه ممن یتولون ادار شئون البلاد.

۳- حُکْم - یَحکُمُ - حُکْمًا = رجع حُکْمَهُ = دَهَنَهُ

۴- حَكْمٌ - يَحْكُمُ - حَكْمَةٌ = صار حكيماً

أَحْكَمَتُهُ التَّجَارُبُ = جَعَلْتُهُ حَكِيمًا

أَلْحِكْمَةُ جِ حَكْمٌ = الكلام الموافق الحق = فلسفه

العدل = العلم // الحلم

۵- أَحْكَمَ الشَّيْءَ = أَتَقَنَّهُ

۶- استحكم عليه الكلام = التيسر

نکته معترضه جای تأسف است که صاحب کتاب^(۲۷) حکمت و حکومت، حکومت را از ریشه حکمت گرفته است.

حکم در کتاب «المفردات فی غریب القرآن»

نوشته **راغب اصفهانی «اصل (حکم) به معنی**

منع کردن برای اصلاح است. حکم کردن به

چیزی، به این معناست که قضاوت کنی آن

چیز این چنین است یا آنچنان نیست، اعم از

اینکه دیگری را الزام به آن بکنی یا نکنی».

در مفردات راغب حکمت به معنای رسیدن

به حق به وسیله علم و عقل است.

حکمت از جانب خدا، شناخت نسبت به

اشیاء و ایجاد آنها در نهایت استحکام است.

حکمت از جانب انسان، شناخت موجودات

و انجام کارهای خیر است.

حکم اعم از حکمت است یعنی هر حکمتی

حکم می باشد، اما هر حکمی حکمت نیست.

۲-۲-۶- ارتباطات اجتماعی و عدالت

آیه ۲۵ سوره حدید: «همانا ما پیامبران خود را با

ادله روشن (به سوی خلق) فرستادیم و برایشان

کتاب و میزان نازل کردیم، تا مردم عدالت را بر

پا کنند و...»

۳-۲-۶- ارتباطات اجتماعی و آزادی

آیه ی ۱۵۷ - سوره اعراف: (۲۸) «آنان که پیروی

می کنند از رسول و پیامبر امی که در تورات و

انجیلی که در دست آنهاست (نام و نشان را

نگاشته می یابند (که آن رسول) آنها را امر به

نیکی (معروف) و نهی از زشتی (منکر) خواهد

کرد، پاکیزه ها را برایشان حلال و پلیدها را حرام

می گرداند و بارهای سنگین و زنجیرهایی که بر

(گرده و دست و پای) آنها بوده بر می دارد (دین

آسان مطابق فطرت برای خلق می آورد). پس

آنان که به او گرویدند (ایمان آوردند و از

حرمت و عزت نگاه داشتند و یاریش کردند و

نوری را که به او نازل شده پیرو شدند، آن گروه

به حقیقت رستگارانند (اهل فلاح و سعادت مند).

۴-۲-۶- ارتباطات اجتماعی و نرمش و مدارا

قرآن مدارا و نرمش را در ارتباطات اجتماعی

ضروری می داند چنانچه این موضوع از طرف

رهبری رعایت نشود، تفرقه در جامعه حادث

می شود. (آیه ۱۵۹ آل عمران: رحمت خدا تو را با

خلق مهربان و خوشخوی گردانید، اگر تندخوی

و سخت دل بودی مردم از گرد تو پراکنده

می شدند، پس چون امت به نادانی درباره تو بد

کنند از آنان در گذر و بر آنها طلب آمرزش کن

از خدا و با آنها در کارها مشورت نما پس آنچه

تصمیم گرفتی با توکل به خدا انجام دهد که

خدا آنان را که بر او اعتماد کنند دوست دارد).

۵-۲-۶- ارتباطات اجتماعی و حاکمیت ارزشها

آیاتی که در این قسمت به آنها اشاره شد، نشان

می‌دهد که هدف خداوند متعال از ارسال پیامبران و نازل کردن کتابهای آسمانی، حاکم کردن احکام و ارزشهای الهی (کتاب، میزان و حکمت) بر روابط اجتماعی است.

این ارزشها در یک دسته بندی کلی با عنوان معروف و منکر^(۲۹) و در تعبیر دیگر با عنوان حلال و حرام^(۳۰) معرفی شده‌اند.

هر گونه باید و نباید اخلاقی و ارزشهای اجتماعی که مبنای فلسفه اخلاق و سیاست می‌باشد و کیفیت و چگونگی ارتباطات اجتماعی را بیان می‌کند، در کتاب خدا ذکر شده و این کتاب خود را متکفل تبیین آنها می‌داند.

لازم به ذکر است این ارزشها و باید و نبایدها در کتاب خدا به یک ریشه و مبنای بر می‌گردد و آن هم «توحید» است: «آیه ۶۴ آل عمران»^(۳۱) «ای پیامبر به اهل کتاب بگو که بیایید تا گرد یک کلمه که مشترک بین ما و شما است جمع شویم و آن اینکه غیر خدا را عبادت نکنیم و هیچ چیز را شریک او قرار ندهیم و بعضی از ما بعضی دیگرمان را جز خدا ارباب خود نگیریم...»

۶-۲-۶- اجتماع اسلامی به چه چیز تکون یافته و زندگی می‌کند؟^(۳۲)

علامه طباطبایی در المیزان تحت این عنوان مطالب ارزشمندی به رشته تحریر در آورد که نقش ارزشها، خصوصاً محوریت توحید و معاد را در استحکام ارتباطات اجتماعی تبیین می‌کند و از اینجا به گزیده‌هایی از آن اشاره می‌شود:

«شکی نیست در اینکه تشکیل اجتماع مولود هدف و غرضی واحد است که مشترک بین همه افراد آن اجتماع می‌باشد و این هدف مشترک در حقیقت به منزله روح واحدی است که در تمام جوانب و اطراف آن اجتماع دمیده شده و نوعی اتحاد به آنها داده است»^(۳۳)

«هدف و جهت جامعی در همه قوانین جاریه در دنیای امروز هست و بهره‌برداری و بهره‌مندی از مزایای حیات مادی و دنیایی است و این هدف است که در همه قوانین، منتها درجه سعادت آدمی در نظر گرفته شده، در حالی که اسلام آن را قبول ندارد، زیرا از نظر اسلام سعادت در برخورداری از لذایذ مادی خلاصه نمی‌شود، بلکه مدار آن وسیع‌تر است، یک ناحیه‌اش همین برخورداری از زندگی دنیا است و ناحیه دیگری برخورداری از سعادت اخروی است، که از نظر اسلام زندگی واقعی هم همان زندگی آخرت است و اسلام سعادت زندگی واقعی یعنی زندگی اخروی بشر را جز با مکارم اخلاق و طهارت نفس از همه رذایل تأمین شدنی نمی‌داند و باز به حد تمام و کمال رسیدن این مکارم را وقتی ممکن می‌داند که بشر دارای زندگی اجتماعی سالم باشد و دارای حیاتی باشد که بر بندگی خدای سبحان و خضوع در برابر مقتضیات ربوبیت خدال تعالی و بر معامله بشر براساس عدالت اجتماعی، متکی باشد.

اسلام براساس این نظریه، برای تأمین سعادت دنیا و آخرت بشر اصلاحات خود را از دعوت به «توحید» شروع کرد تا تمامی افراد

بشر یک خدا را پرستند و آنگاه قوانین خود را بر همین اساس تشریح نمود و تنها به تعدیل خواستها و اعمال اکتفا نکرد، بلکه آن را با قوانین عبادی تکمیل نمود و نیز معارفی حقه و اخلاق فاضله را بر آنها اضافه کرد»^(۳۴)

«واز مهم ترین مزایا که در این دین به چشم می خورد ارتباط تمامی اجزای اجتماعی به یکدیگر است، ارتباطی که باعث وحدت کامل بین آنها می شود، به این معنا که روح توحید در فضایل اخلاقی که این آیین بدان دعوت می کند ساری و روح اخلاق نامبرده در اعمالی که مردم را بدان تکلیف فرموده جاری است، در نتیجه تمامی اجزای دین اسلام بعد از تحلیل به توحید برمی گردد و توحیدش بعد از تجزیه به صورت آن اخلاق و آن اعمال جلوه می کند، همان روح توحید اگر در قوس نزول قرار گیرد آن اخلاق و اعمال می شود و اخلاق و اعمال نامبرده در قوس صعود همان روح توحید می شود»^(۳۵)

۳-۶- نسبت انسانها و ارتباطات اجتماعی چیست؟

۱-۳-۶- هویت انسان

ریشه انسان خداست و بازگشت او هم به سوی خداست، این عبارت معروف «همه از خداییم و به سوی او باز می گردیم» از معارف قرآنی است: «انالله وانا الیه راجعون»^(۳۶) در مورد خلقت آدم خداوند به فرشتگانش می فرماید: «من اراده کردم جانشین (خلیفه) در زمین قرار دهم»^(۳۷) و

دلیل این امر را عملی می داند که خداوند به او تعلیم داده است. در این داستان انسان موجودی معرفی شده که همچون خدا صاحب اراده است. هم می تواند اطاعت کند و هم سرپیچی به همین دلیل دارای مسئولیت اجتماعی است و از توان پاسخگویی نسبت به اعمال خود برخوردار است.

۲-۳-۶- مسئولیت اجتماعی

در مورد مسئولیت اجتماعی انسان علامه طباطبایی چنین توضیح می دهد^(۳۸): «تمامی آیاتی که متعرض مسئله اقامه عبادات و قیام به امر جهاد و اجرای حدود و قصاص و غیره است خطابهایش متوجه عموم مؤمنان است نه رسول خدا (ص) به تنهایی، مانند آیات زیر: «نماز را بپا دارید»^(۳۹)، «در راه خدا انفاق کنید»^(۴۰) «روزه بر شما واجب شد»^(۴۱)، باید از میان شما گروهی به وظیفه دعوت به خوبیها و امر به معروف و نهی از منکر قیام کنند»^(۴۲) «در راه او جهاد کنید»^(۴۳)... «مجموعاً به ریسمان خدا چنگ زنید»^(۴۴)... «محمد (ص) جز پیامبری نیست قبل از او پیامبرانی بودند و درگذشتند، آیا اگر او بمیرد یا کشته شود به قهقراء برمی گردید؟! هر کس حرکت ارتجاعی کند به خدا ضرری نمی رساند»^(۴۵) که از همه آنها استفاده می شود دین یک صبغه و روش اجتماعی است که خدای تعالی مردم را به قبول آن وادار نموده است، چون کفر را برای بندگان خود نمی پسندد و اقامه دین را از عموم مردم خواسته است، پس

مجموعی که از مردم تشکیل می‌یابد اختیارش هم به دست ایشان است، بدون اینکه بعضی بر بعضی دیگر مزیت داشته باشند و یا زمام اختیار

به بعضی از مردم اختصاص داشته باشد و از رسول خدا گرفته تا پایین، همه در مسئولیت امر جامعه برابرند و این برابری از آیه زیر به خوبی استفاده می‌شود: «من عمل هیچ عاملی از شما را ضایع نمی‌کنم - چه مرد و چه زن - چون همه از همید» (۴۶)

۶-۳-۳- نفی تبعیض و اثبات برابری

از آیاتی که به آنها اشاره شد معلوم می‌شود که قرآن امتیازات نژادی، قومی و قبیلگی را قبول ندارد (۴۷) و همه انسانها را فرزند یک مرد و یک زن و برابر می‌داند و همه آنها مسئولیت دارند و همه از مزایای یکسان برخوردارند. «هر کس عمل شایسته به جای می‌آورد - خواه مرد و خواه زن - و ایمان داشته باشد، پس حتماً او را به زندگی پاک می‌رسانیم و به بهترین نحو به او پاداش می‌دهیم» (۴۸)

معلوم می‌شود که در بحث ایمان، انجام و عمل صالح و دستیابی به مراتب شایستگی، بین زن و مرد فرقی نیست و اهتمام قرآن به امر زن این مسئله را روشن می‌سازد و از فرازهای برجسته‌ی تاریخ اسلام است.

همچنین وقتی خداوند به پیامبر امر می‌کند: «با آنها در امر مشورت کن» (۴۹) و در وصف مؤمنان می‌گوید: «آنها کارهایشان را با شور و مشورت به انجام می‌رسانند» (۵۰) نشان می‌دهد

۶-۴- دیدگاه قرآن در مورد رهبری ارتباطات اجتماعی چیست؟

۶-۴-۱- اثبات حاکمیت مطلق فقط برای خدا آیه ۴۰ سوره یوسف، «حکم (حکومت) مخصوص خدا (الله) است، امر کرده جز او را عبادت و بندگی نکنید، این دین استوار است و لکن اکثر مردم به آن علم ندارند» (۵۱)

آیه ۷۹ سوره آل عمران - «هیچ انسانی حق ندارد وقتی خدا به او کتاب و حکم و نبوت بخشید، به مردم بگویند بندگان (عباد) من باشید» (۵۲)

آیه ۵۰ مائده - «آیا دنبال حکم (حکومت) جاهلی هستید؟! و چه کسی حکمش برای اهل یقین از حکم خدا بهتر است؟» (۵۳)

آیه ۶۲ سوره انعام - آگاه باشید که (حکم) فقط برای او (خدا) است» (۵۴)

آیه ۴۴ سوره مائده - «هر کس مطابق وحی خدا (آنچه خدا نازل کرده) حکم نکند جزو کافران است» (۵۵)

آیه ۴۵ سوره مائده - «هر کس مطابق وحی خدا حکم نکند جزو ظالمان است» (۵۶)

آیه ۴۷ سوره مائده - «هر کس مطابق وحی خدا حکم نکند جزو فاسقان است» (۵۷)

آیه ۵۹ نساء - ای کسانی که ایمان آورده‌اید

از خدا و رسول و ولی امر خودتان اطاعت کنید، پیش بینی کرده است. پس اگر در مورد موضوعی منازعه بین شما در گرفت، آن را به خدا و رسول ارجاع دهید - اگر

ایمان به خدا و روز قیامت دارید - این روش بهتر و از نظر ارجاع به منبع اصلی نیکوترین راه است. (۵۸)

۶-۴-۲- ریسمان خدا

مجمع البیان در تفسیر آیه ۱۰۳ آل عمران در خصوص ریسمان الهی (جبل الله) اقوالی را بیان کرده است. اول اینکه ریسمان خدا قرآن است. دوم اینکه ریسمان خدا دین اسلام است. سوم اینکه ریسمان خدا ائمه معصومین علیهم

السلام هستند. صاحب تفسیر مجمع البیان جمع بین نظرها را ترجیح می دهد یعنی قرآن، دین اسلام و ائمه معصومین مجتمعاً ریسمان خدا هستند. مرحوم طبرسی برای تأیید نظر خود به حدیث زیر که ابوسعید خدری از پیامبر اکرم

(ص) نقل کرده استناد کرده است: «پیامبر فرمودند ای مردم همانا من بین شما دو ریسمان باقی گذاشتم که اگر به آنها چنگ بزنید بعد از من هرگز راه را گم نمی کنید. یکی از آنها از دیگری بزرگ تر است. کتاب خدا ریسمان کشیده شده از آسمان به زمین است و عترت و اهل بیت من آگاه باشید که آن دو هرگز از هم جدا نمی شوند تا سرحوض کوثر به من ملحق شوند».

پس کتاب و عترت مجتمعاً رهبری روابط اجتماعی را به عهده دارند. آیه ۲۰۰ آل عمران - «ای کسانی که ایمان

ب- تعیین ارزشهای حاکم بر روابط اجتماعی و نیز اطاعت بندگان نیز مخصوص ذات حق است. منتهی خداوند اجازه صدور حکم و دعوت به اطاعت مطابق وحی الهی را صادر کرده است. بندگان خدا می توانند و باید از کسی که امر به اطاعت از حکم خدا می کند اطاعت کنند.

ج- اطاعت از کافران که به اطاعت از غیر ارزشهای الهی دعوت می کنند، جایز نیست و چنین ولایتی، ولایت طاغوت است.

د- برای رفع اختلافات، حل منازعات و ایجاد وحدت در ارتباطات اجتماعی و قدرت دفاعی خداوند در قرآن کریم تدابیر نظری و عملی

آورده اید صبر و استقامت داشته باشید و یکدیگر را به صبر و استقامت سفارش کنید و ارتباطات برقرار کنید...»

مرحوم علامه طباطبایی در بحث روایتی از تفسیر این آیه چنین آورده است: «در کتاب معانی الاخبار از امام صادق علیه السلام روایت آورده که در تفسیر آیه: یا ایها الذین امنوا اصبروا و صابروا و رابطو... فرموده «اصبروا» یعنی در مصائب صبر کنید، «و صابروا» یعنی بردشواریهای فتنه صبر کنید، «و رابطوا» یعنی بر اطاعت کسی که بدو اقتدار می کنید استوار باشید».^(۶۰)

و در تفسیر عیاشی از آن جناب نقل کرده که فرمود: «یعنی تک تک شما بر دین خود صبر کنید و دسته جمعی بر دفع دشمن صبر کنید (دفاع) و با امام خود رابطه ای استوار داشته باشید».^(۶۱)

علامه طباطبایی اشاره می کند قریب به این معنا از طرق اهل سنت از رسول خدا (ص) نیز نقل شده است.^(۶۲)

و در کافی از امام صادق (ع) روایت آورده که در معنای جمله اول فرمود: برانجام واجبات صبر کنید و در معنای جمله دوم فرمود: بر مصائب صبر کنید و در معنای جمله سوم فرمود: «بر امامان خود صبر کنید» یعنی اطاعت آنها را گردن نهد.^(۶۳)

۴-۳-۶- حفاظت از مرز قلمروهای اسلامی
همان طور که مشاهده کردید، ائمه معصومین علیهم السلام و دیگر مفسران، با استفاده از آیه

۲۰۰ آل عمران، کلمه ی «مربطه»^(۶۴) را به معنی مرزبانی نیز گرفته اند و آن را از وظایف مسلمانان شمرده اند.

۴-۴-۶- مشروعیت و جواز اعمال قدرت و دعوت به اطاعت در ارتباطات اجتماعی
جواز دعوت به اطاعت از طرف انسانها نسبت به یکدیگر به طور مطلق وجود ندارد، مگر آنکه این دعوت در مسیر اطاعت از ارزشهای وحی باشد یا از طریق وحی اجازه ی چنین دعوتی صادر شده باشد. مثلاً مخالفت امر پدر و مادر جایز نیست جز در مواردی که آنها فرزند را به شرک دعوت کنند که در این صورت اطاعت جایز نیست. در مسئله ی امر به معروف و نهی از منکر به هر انسانی اجازه داده شده که انسان را به اطاعت احکام الهی و نهی از محرمات او دعوت کند.

خداوند اطاعت از خود را ضروری و واجب می داند و جواز دعوت به اطاعت را به رسولان و ولی امر نیز صادر کرده است.^(۶۵)
در آیه ۵۵ سوره مائده، قرآن کریم اعمال ولایت و دعوت به اطاعت را منحصر در سه دسته کرده است:

«منحصراً ولی شما خدا، رسول او و مؤمنانی هستند که نماز را برپا می دارند و در حال رکوع (نماز) زکات می دهند.»^(۶۶)

حزب الله - حزب خدا کسانی هستند که ولایت خدا، رسول او و مؤمنان را می پذیرند.^(۶۷)
قرآن در آیه ۵۱ سوره مائده نیز به صراحت

مؤمنان را از پذیرش ولایت یهود و نصاری نهی می‌کند. (۶۸)

قرآن در آیه ۱۴۱ سوره نساء نیز به طور مطلق پذیرش سلطه کافران را از طرف مؤمنان نفی کرده است. (۶۹)

پس در ارتباطات اجتماعی انسانها زمانی می‌توانند یکدیگر را دعوت به اطاعت کنند که مطابق موازین و ارزشهای الهی (کتاب و حکمت) باشد، در غیر این صورت جواز چنین دعوتی وجود ندارد و اطاعت هیچ انسانی از انسان یا انسانهای دیگر جایز نیست. حتی انبیاء و رسولان الهی هم حق ندارند بندگان خدا را به خود و عبادت خود دعوت کنند.

۵-۴-۶- ضمانت اجرایی برای اطاعت انسانها از ارزشهای الهی

از آنجا که همه‌ی انسانها، خصوصاً مؤمنان به طور یکسان مخاطب قرآن و وحی الهی هستند، همگی مسئولیتی برابر در اجرای دستورات و احکام خدا دارند و تأمین زمینه‌ی پذیرش ارزشها در روابط اجتماعی چنانچه نیاز به تجهیز قوا و تأمین شرایط دیگر داشته باشند، مجتمعاً باید چنین زمینه‌ای را فراهم کنند، همین فرآیند به تشکیل حکومت اسلامی توسط مردم یا به عبارت دیگر تأسیس جمهوری اسلامی منجر می‌گردد.

برای رهبری روابط اجتماعی، مؤمنانی برگزیده می‌شوند که امانت‌دار شایسته‌ای برای جامعه باشند و براساس میزانها و ارزشها،

عدالت را با پشتوانه‌ی مردم برپا کنند. قرآن کریم در آیه ۵۸ سوره نساء می‌فرماید: «خداوند امر می‌کند که امانتها را به اهل آن بسپارید و وقتی بین مردم حکم می‌کنید بر مبنای عدالت حکم کنید، چه خوب پندی است که پند خدا و همانا او شنوا و آگاه است.» (۷۰)

همان‌طور که در جای خود به تفصیل بحث شده از شرایط ضروری و حیاتی رهبری علم و عدالت مستمر است و گرنه جامعه گرفتار جهل و ظلم خواهد شد.

۶-۴-۶- وظائف رهبری روابط اجتماعی

براساس آیات و تفاسیر مربوطه مهم‌ترین وظایف رهبری، تلاوت آیات خدا برای مردم، تربیتهای اخلاقی و تعلیم کتاب و حکمت است که این امر مستلزم هدایت جامعه به سوی سعادت مادی و معنوی، امنیت، علم، شکوفایی همه استعدادها و حاکمیت ارزشهای اخلاقی در جامعه می‌باشد، که از آن به «حیات طیبه» (۷۱) یعنی زندگی پاک تعبیر شده است. در فرهنگ قرآن زندگی و حیات وقتی معنا و مفهوم پیدا می‌کند که ارزشهای الهی بر روابط اجتماعی حاکم شود. (۷۲)

۵-۶- آیا برای حفظ و توسعه‌ی ارتباطات اجتماعی ضمانتی وجود دارد؟

۱-۵-۶- قرآن برای خانواده بنیاد مستحکمی ریخته و حقوق خانواده را حتی در مورد وصیت و ارث به روشنی بیان کرده است. خانواده

هسته‌ی اولیه و محکم اجتماع است که فرهنگ اسلامی از طریق آن به خوبی پذیرفته و منتقل می‌شود. از وظایف و مسئولیتهای مهم خانواده تربیت اجتماعی فرزندان مطابق ارزشهای اسلامی است.

۴-۵-۶- روزه که سالی یک ماه اجرا در می‌آید برای تربیت اخلاقی، تقویت اراده و کسب تقوی پیش‌بینی شده و به‌نوع در تعاون اقتصادی و همدردی با ضعفای جامعه و رسیدگی به حال اجتماعی آنها نقش مهمی ایفا می‌کند. پرداخت زکات فطره، تأمین بودجه برای رسیدگی به حال مستضعفان جامعه است.

۲-۵-۶- مسجد مرکز ارتباطات اجتماعی محله‌ها، مناطق و هر مرکز جمعیتی است. هر روز مسلمانان چند وعده دور هم جمع می‌شوند، با یکدیگر مرتبط می‌شوند و بین یکدیگر آشنایی برقرار می‌کنند و نوعی تعاون و امداد اجتماعی در مراکز جمعیتی کوچک برقرار می‌شود. مساجد به عنوان پایگاههای بسیج اجتماعی از ابتدا تاکنون کاربرد داشته‌اند. امروز در هر کشوری اگر تعدادی مسلمان زندگی کنند، از طریق احداث مسجد با هم ارتباطات اجتماعی برقرار می‌کنند و مراسم اجتماعی مذهبی را انجام می‌دهند و بدین ترتیب جامعه‌پذیری اسلامی شکل می‌گیرد.

۵-۵-۶- حج، گردهمایی جهان اسلام است که سالی یک بار انجام می‌شود^(۷۳) و ارتباطات جهانی مسلمان برقرار می‌شود و مسلمین در حج ابراهیمی از اوضاع سیاسی و اجتماعی کشورهای اسلامی با خبر می‌شوند و سبب وحدت جهانی مسلمانان است.

۳-۵-۶- نمازهای جمعه و مسجد جامع - در هر شهر، هر جمعه مردم هر شهر در مسجد جامع گرد هم می‌آیند و ارتباطات اجتماعی شهری شکل می‌گیرد و آشنایی با مسائل سیاسی انجام می‌گیرد. امام جمعه که نقش بالای اجتماعی دارد، تهدیدها و فرصتها را برای اهالی شهرها بیان می‌کند و آنها را با منافع اجتماعی آشنا می‌سازد. ضمن آنکه نماز جمعه برنامه سازندگی معنوی و اخلاقی نیز دارد و به وحدت اجتماعی هم کمک می‌کند. نقش بازدارندگی

کعبه در عین حال پرچم اسلام و قبله مسلمانان جهان است و از نظر نمادین نیز مظهر هماهنگی، هم‌جهتی، هم‌هدفی و همدستانی مسلمانان جهان است.

«همانان اولین خانه‌ای (بیتی) که برای مردم بنا شده، کعبه می‌باشد که مبارک و سبب هدایت جهانیان است.»^(۷۴)

۶-۵-۶- جهاد برای دفاع از مسلمانان و قلمروهای اسلامی پیش‌بینی شده و مرابطه (مرزبانی) یکی از ابعاد آن می‌باشد. مسلمانان مسئولند تا خود را برای دفاع در مقابل دشمنان مجهز کنند تا حدی که دشمن طمع به آنها نداشته باشد.

۷-۵-۶- خمس و زکات برای تأمین بودجه‌های

عمومی و مخارج اجتماعی پیش‌بینی شده و هزینه‌های آموزش دین (فقه) و ترویج آن از این طریق تأمین می‌گردد.

در امر ارتباطات اقتصادی خداوند به صراحت ربا را ممنوع کرده است.^(۷۵)

۸-۵-۶- حوزه‌های علمیه - درهر شهری یک یا چند حوزه علمیه برای تولید و نشر علوم دینی و غیر آن پیش‌بینی شده و بعضی حوزه‌ها بر حسب استقرار مراجع بزرگ، حالت مرکزیت پیدا کرده است. این حوزه‌ها براساس آموزش قرآن بنا شده است.

«نباید مؤمنان همه به سفر جنگی بروند، چرا از هر گروه اجتماعی تعدادی به سفر علمی نمی‌روند تا دانی (تفقه) در امر دین پیدا کنند و هنگام بازگشت گروه اجتماعی خود را هشدار دهند و آنها را هوشیار کنند.»^(۷۶)

تاریخ به خوبی شهادت می‌دهد که اسلام چقدر در تولید و نشر علم نقش‌آفرینی کرده است و به امر کتابت و نشر آن اهتمام ورزیده است.

علمای بزرگ حوزه به عنوان مراجع تقلید، نقش مهمی در حفظ و توسعه فرهنگ اسلامی داشتند و دانشمندان بزرگی در علوم مختلف از این حوزه‌ها برخاسته‌اند.

۹-۵-۶- امر به معروف و نهی از منکر - این دو امر از بایدهای حتمی اجتماعی اسلام است که همه مسلمانان موظف به شناخت بایدها و نبایدها (معروفها و منکرها) و اقدام به امر و نهی

آنها هستند. این دو امر اجرای بقیه فروع دینی (نماز، روزه، حج، جهاد، خمس و زکات) را تضمین می‌کند و جوامع انسانی را به صلاح می‌کشانند.

«باید در اجتماع شما جمعی (امتی) باشند که دعوت به ارزشها (خیرات) کنند و امر به معروف و نهی از منکر نمایند، چنین اجتماعی اهل سعادت اند.»^(۷۷)

«شما به دلیل اینکه امر به معروف و نهی از منکر می‌کنید و ایمان به خدا دارید بهترین امت (جماعت) هستید.»^(۷۸)

«قرآن بعضی از اهل کتاب (یهود و نصاری) را به دلیل عبادت خدا، ایمان به خدا و معاد و امر به معروف و نهی از منکر و سبقت در ارزشها به عنوان شایستگان (صالحان) می‌ستاید.»^(۷۹)

۶-۶- آیا قرآن متعرض قرارداد اجتماعی شده است؟

موضوع قرارداد اجتماعی، در علم سیاست و جامعه‌شناسی، بیشتر جنبه فرضیه دارد و مبنای تنظیم ارتباطات اجتماعی است.

موضوعی در قرآن کریم مطرح است که از نظر فلسفه وجودی، نقش قرارداد اجتماعی را به طور کامل تر و جامع تر ایفا می‌کند و تأثیر واقعی در دعوت اجتماعی اسلام و به خصوص در پذیرش مسئولیت اجتماعی توسط انسانها دارد. این موضوع به پیمان گرفتن پروردگار از نوع بشر بر می‌گردد:

آیات ۱۷۲ و ۱۷۳ و ۱۷۴ سوره اعراف: (و ای رسول ما) به یأر (و خلق را متذکر ساز) هنگامی که خدای تو از پشت فرزندان آدم ذریه آنها را برگرفت و آنها را بر خود گواه ساخت که آیا من پروردگار شما نیستم؟ همه گفتند بلی ما به خدای تو گواهی دهیم که دیگر روز قیامت نگوئید ما از این واقعه (قیامت یا معرفت و یکتایی خدا) غافل بودیم. و یا نگوئید که چون پدران ما منحصرأبدین شرکت بودند و ما هم فرزندان بعد از آنها بودیم، پس پیروی پدران خود کردیم. آیا به کردار زشت اهل باطل ما را به هلاکت خواهی رساند؟ و بدین گونه ما آیات خود را تفصیل می دهیم باشد که از راه باطل به خداپرستی و معرفت و اطاعت حق بازگردند.

علامه طباطبایی در تفسیر المیزان به منظور تفسیر این آیات روایاتی را نقل کرده که یکی از آنها برای تبیین بیشتر این میثاق الهی در اینجا ذکر می گردد:

«و در تفسیر عیاشی و خصایص سید رضی از اصبع بن نباته از علی بن ابیطالب (ع) روایت شده که گفت: وقتی ابن الکواء نزد آن حضرت آمد و عرض کرد: یا امیرالمؤمنین مرا خبر ده از خدای تعالی و اینکه آیا قبل از موسی با کسی از اولاد تکلم کرده؟ حضرت فرمود، خداوند با جمیع مخلوقات خود تکلم کرده، چه خوب آنان و چه بدشان و همه جواب او را داده اند، این معنا بر ابن الکواء گران آمد و مقصود امام را نفهمید و لذا پرسید چطور یا امیرالمؤمنین؟ حضرت فرمود: مگر کتاب خدا را نخوانده ای که به پیغمبر خود می فرماید: «واذ اخذ... قالوا بلی» اگر این آیه را خوانده ای باید بدانی که خداوند کلام خود را به جمیع افراد بنی آدم شنونده و ایشان هم جواب او را داده اند. ابن ابی الکواء! جمله قالوا بلی جواب بنی آدم است، خداوند به بنی آدم فرمود: به درستی منم معبود یکتا، معبودی نیست جزء من و منم رحمان و رحیم پس قرار آوردند به طاعت و ربوبیت، و رسل و انبیاء و اوصیای انبیاء را از دیگران جدا کرد و بشر را مأمور به اطاعتشان کرد، بشر نیز در عهد ازل به همه اینها اقرار نمود موقعی که اقرار می کردند، ملائکه ناظر بودند و گفتند: ای بنی آدم ما علیه شما گواه شدیم تا در قیامت نتوانید بگوئید ما از این امر غافل بودیم».^(۸۰)

از این آیات و روایات نتیجه گرفته می شود که خداوند قراردادی با همه انسانها دارد مبنی بر بندگی خدا و اطاعت از خدا و رسولان و انبیاء و اوصیای انبیاء. گرچه انسانها صحنه ی این میثاق و اقرار خود را به یاد نمی آورند اما با مراجعه به فطرت و عقل خود این مسئله را تصدیق می کنند و با همین تصدیق عقل، حجت بر بندگان تمام می شود و پاسخگوی خداوند نسبت به اعمال و مواضع و رفتار اجتماعی خود هستند.

مفهوم این قرارداد و میثاق به صورت اذان و اقامه قبل از هر نماز و حتی در تشهد نمازها تکرار می شود.

الله اكبر، شهدان لاله الا الله، شهدان محمد رسول الله، شهدان عليا ولي الله. (۸۳) تشریح شده است.

شهدان لاله الا الله و شهدان محمد عبده

و رسوله.

در نتیجه تدبیر قرآن و اسلام این است که این قرارداد اجتماعی هر روز چند بار با صدای بلند از مأذنه‌ها اعلام و یادآوری می‌شود و هر فرد بارها در شبانه روز آن را تکرار می‌کند و بر آن تأکید می‌ورزد که آن را نقض ننماید.

۷-۶- دیدگاه قرآن در مورد دولت (قلمرو، جمعیت، حکومت، حاکمیت) چیست؟

۱-۷-۶- قلمرو

آن قدر که مرز فرهنگی از نظر قرآن اهمیت دارد، مرز جغرافیایی مورد تأکید قرار نگرفته است. قرآن همه انسانها را به کلمه واحده و وحدت کلمه فرامی‌خواند و دعوت به لاله الا الله و نفی شرکت برابر خداوند خالق و مدبر هستی و طرد و اربابان غیر از خدا می‌کنند تا انسانها امت واحدی نشوند، همچنان که در اصل هم امت واحد بوده‌اند. (۸۱)

قرآن کریم پیش‌بینی کرده دین توحید بر روی زمین استقرار یابد و خداوند بدون خوف عبادت شود، در آن شرایط امنیت عمومی برقرار می‌شود، علم به اوج شکوفایی می‌رسد و بهره‌برداری از امکانات زمینه به نحوی خواهد بود که فقر از زمین رخت بر می‌بندد. (۸۲)

البته تا آن زمان پیش‌بینی قلمروهای محدود

و حفظ مرزهای آن را کرده و مرابطه (مرزبانی) تشریح شده است. (۸۳)

۲-۷-۶- جمعیت امت

همه کسانی که به خدا و رسول و روز قیامت ایمان آوردند جزو اسلام به حساب می‌آیند، هر جای عالم که زندگی کنند و رابطه‌ی آنها رابطه‌ی برابری و برادری است.

۳-۷-۶- حکومت

در هر قلمروی که مسلمانان زندگی می‌کنند، با توضیحاتی که داده شد، مسئولیت تشکیل ارتباطات اجتماعی و حکومت دینی به عهده همه آنهاست.

علامه طباطبایی در تفسیر المیزان در این مورد می‌فرماید:

«لیکن به هر حال امر حکومت اسلامی بعد از رسول خدا (ص) و بعد از غیبت آخرین جانشین آن جناب (ص) یعنی در مثل همین عصر حاضر، بدون هیچ اختلافی به دست مسلمین است، اما با در نظر گرفتن معیارهایی که قرآن کریم بیان نموده و آن این است که: اولاً - مسلمین باید حاکمی برای خود تعیین کنند.

ثانیاً - حاکم باید کسی باشد که بتواند طبق سیره رسول الله (ص) حکومت نماید و سیره آن جناب سیره رهبری و امامت بود نه سیره سلطنت و امپراطوری.

ثالثاً - در مواردی که حکمی از احکام الهی نیست، عقلای قوم تصمیم بگیرند که بیانش

گذشت، دلیل بر همه اینها آیات راجع به ولایت رسول خدا (ص) است به اضافه آیه شریفه زیر که می فرماید: «همانا (سیره و سنت) رسول خدا برای شما الگوی شایسته‌ای است - احزاب آیه ۲۱»، (۸۴)

۶-۷-۴- حاکمیت

حاکمیت به طور مطلق متعلق به خدا است و او انسان را در زمین جانشین خود قرار داده است و حاکمیت خدا روی زمین با حاکمیت ارزشهای الهی (کتاب و حکمت) به وسیله انسانهایی مؤمن تحقق پیدا می کند.

الحمد لله رب العالمین

۷- فرجام

در نوشتار حاضر کوشیده شد تا ترتیب ابعاد ارتباطات اجتماعی و رهبری آن و همچنین مفهوم دولت انضمامی (قلمرو، جمعیت، حکومت، حاکمیت) از دیدگاه قرآن بررسی شد و در نتیجه ویژگیهای سیاست قرآنی در حد بضاعت مزجانه نگارنده، مشخص گردد.

پانویسها

- ۱- عبدالرحمن عالم، بنیادهای علم سیاست، تهران نشر نی، ص ۳۰.
- ۲- حسین بشیریه، آموزش دانش سیاسی، نشر نگاه معاصر، ص ۲۶.
- ۳- همان، ص ۶۹.
- ۴- همان، ص ۷۱.
- ۵- همان، صص ۷۴-۷۳.
- ۶- همان، ص ۷۴.
- ۷- کتاب ساختارهای قدرت، شوارتس منتل، مرکز اسناد انقلاب

- ۱۷- اسلامی، ص ۱۷.
- ۸- همان، ص ۱۸.
- ۹- همان، ص ۱۸.
- ۱۰- همان، ص ۲۱.
- ۱۱- همان، ص ۲۲.
- ۱۲- عبدالرحمن عالم، همان، ص ۲۷.
- ۱۳- همان، ص ۲۸.
- ۱۴- همان، ص ۲۹.
- ۱۵- همان، ص ۲۹.
- ۱۶- همان، ص ۳۰.
- ۱۷- همان، ص ۳۰.
- ۱۸- موریس دوورژه، اصول علم سیاست، تهران، نشر دادگستر، ص ۱۱.
- ۱۹- دوورژه، همان، ص ۱۱.
- ۲۰- سوره آل عمران، آیه ۲۰۰، یا ایها الذین آمنوا اصبروا و صابروا و رابطوا و اتقوا الله لعلکم تفلحون.
- ۲۱- ترجمه تفسیر المیزان، جلد چهارم، صص ۱۴۴-۱۴۳.
- ۲۲- آیه ۱۰۳ سوره آل عمران، واعتصموا بحبل الله جميعاً ولا تفرقوا ... و
- ۲۳- آیه ۱۰۵ آل عمران، ولا تكونوا کالذین تفرقوا و اختلفوا من بعد ما جاتهم البينات و...
- ۲۴- ترجمه تفسیر المیزان، جلد چهارم، صص ۱۴۴-۱۴۵.
- ۲۵- آیه ۱۳ سوره حجرات، یا ایها الناس انا خلقناکم من ذکر و انثی و جعلناکم شعوباً و قبایل لتعارفوا...
- ۲۶- ترجمه تفسیر المیزان، جلد چهارم، صص ۱۴۸-۱۵۰.
- ۲۷- حکمت و حکومت، حائری، ص ۶۶، «بدین جهت باید مطمئن بود که واژه حکومت که در سیاست و فنون کشورداری به کار آمده و در راستای سیاست مدرن قرار گرفته از تدبیر و حکمت نشأت گرفته و هرگز به معنای امر و فرمان یا معنای دیگر نیست تا چه رسد به معنای ولایت و قیمومیت».
- ص ۶۶-۶۷، «و اگر چنین است که حکومت به معنای دانایی و حکمت است نه به معنی فرمانروایی و اعمال قدرت، پس به یقین چنان خواهد بود که ولایت و حاکمیت به کل از حریم دلایل مطابقی و تضمینی و التزامی مفهوم حکومت به دور است و مانند دو لفظ و دو مفهوم متغایر...»
- ص ۶۷ «بدین مناسبت خوانندگان این سطور بدانند که هر جا کلمات حکم، حکومت و حتی رهبری سیاسی به کار رفته و می رود، جز به معنای تدبیر و رایزنی در امور کشوری که به معنای محدوده جغرافیای سیاسی است نخواهد بود و هرگز به معنای حاکمیت و قهاریت نیست».
- ص ۵۵: گواه راستین اینکه حکومت به معنای فن کشورداری نیز همان حکمت و علم تصدیقی به مسائل سیاسی و اقتصادی

- مملکت است این است که کشورداری و سیاست مدرن از شاخصه های حکمت و عقل عملی محسوب است و به معنای فرماندهی و سلطنت و حاکمیت برزیردستان نمی باشد تا چه رسد به معنای ولایت و قیمومیت».
- ۲۸- الذین یتبعون الرسول الامی..... اولئک هم المفلحون.
- ۲۹- ۱۵۷ سوره اعراف
- * آیه ۱۵۹ سوره آل عمران - فیما رحمہ من اللہ کنت لهم ولو کنت کم و کنت فظاً غلیظ القلب لا نفوضا من حولک فاعف عنهم و استغفر لهم و شاورهم فی الامر.
- ۳۰- آیه ۱۵۷ سوره اعراف
- ۳۱- قل یا اهل الکتاب تعالوا..... و بنا مسلمون.
- ۳۲- ترجمه تفسیر المیزان - جلد چهارم صص ۱۶۹، ۱۷۷.
- ۳۳- ترجمه تفسیر المیزان - جلد چهارم صص ۱۶۹، ۱۷۷.
- ۳۴- همان - صص ۱۷۲، ۱۷۱.
- ۳۵- همان - صص ۱۷۲.
- ۳۶- آیه ۱۵۶ سوره بقره.
- ۳۷- آیه ۳۰ سوره بقره: «انی جاعل فی الارض خلیفه...»
- ۳۸- همان - صص ۱۹۲، ۱۹۳.
- ۳۹- آیه ۷۶ نساء.
- ۴۰- آیه ۱۵۹ بقره.
- ۴۱- ۱۸۳ بقره .
- ۴۲- ۱۰۴ آل عمران.
- ۴۳- آیه ۳۵ سوره مائده.
- ۴۴- آیه ۱۰۳- سوره آل عمران.
- ۴۵- آیه ۱۴۴- سوره آل عمران.
- ۴۶- آیه ۱۹۵- سوره آل عمران.
- ۴۷- آیه ۱۳ سوره حجرات - انا خلقناکم من ذکر و انثی.
- ۴۸- آیه ۹۷ سوره نحل - من عمل صالحاً من ذکر و انثی و هو مؤمن فلنحیینه حیوه طیبه و لنجزینهم اجرهم بأحسن ماکانوا یعلمون.
- ۴۹- آیه ۱۵۹ = سوره آل عمران - و شاورهم فی الامر....
- ۵۰- آیه ۳۸ شوری - و امرهم شوری بینهم....
- ۵۱- ان الحکم الالاه
- ۵۲- ما کان لبشر ان یؤتیه اللہ الکتاب و الحکم و النبوه ثم یقول للناس کونوا عبادا لی من دون اللہ....
- ۵۳- افحکم الجاهلیه ییغون و من احسن من اللہ حکماً...
۵۴- الا له الحکم.
- ۵۵- و من لم یحکم بما انزل اللہ فاولئک هم الکافرون.
- ۵۶- و من لم یحکم بما انزل اللہ فاولئک هم الظالمون.
- ۵۷- و من لم یحکم بما انزل اللہ فاولئک هم الفاسقون.
- ۵۸- یا ایها الذین امنوا اطیعوا اللہ و اطیعوا الرسول و اولی الامر منکم فان...
۵۹- یا ایها الذین امنوا ان تطیعوا الذین کفروا یردکم علی اعقابکم
- فتنقلبوا خاسرین. بل اللہ مولیکم و هو خیر الناصرین.
- ۶۰- معنای الاخبار، ص ۲۶۹ مکتبه الصدوق - تهران.
- ۶۱- تفسیر عیاشی جلد ۱ صص ۲۱۲.
- ۶۲- الدر المنثور، ج ۲، ۶۲/۱۱۴.
- ۶۳- اصول کافی جلد ۲ صص ۸۱.
- ۶۴- رابطه مصدر صیغه امر «رابطوا» که در آیه ۲۰۰ آل عمران به کار رفته می باشد.
- ۶۵- این مطلب در آیه ۱۰۰ سوره نساء بیان شده است.
- ۶۶- انما ولیکم اللہ و رسول و الذین آمنوا یتقون الصلوه و یؤتون الزکوٰه و هم راکعون.
- ۶۷- و من یتول اللہ و الذین امنوا فان حزب اللہ هم الغالبون.
- ۶۸- یا ایها الذین امنوا لا تتخذوا الیهود و النصارى اولیاء....
- ۶۹- و لن یجعل اللہ للکافرین علی المؤمنین سبیلاً.
- ۷۰- ان اللہ یأمرکم ان تودوا الامانات الی اهلها و اذا حکمتم بین الناس یحکسوا بالعدل ان اللہ نعماً یعظکم به ان اللہ کان سمیعاً بصیراً.
- ۷۱- آیه ۹۷ سوره نحل - من عمل صالحاً من ذکر و انثی و هو مؤمن فلنحیینه حیاه طیبه.
- ۷۲- آیه ۲۴ سوره انفال - یا ایها الذین امنوا استجبوا للہ و للرسول اذا دعاکم لما یحییکم... = ای مؤمنان دعوت خدا و رسول را اجابت کنید تا شما را حیات بخشد.
- ۷۳- آیه ۹۷ آل عمران - و لله علی الناس حج البیت من استطاع الیه سبیلاً.
- ۷۴- آیه ۹۶ آل عمران - ان اول بیت وضع للناس للذی ببکة مبارکاً و هدی للعالمین.
- ۷۵- آیه ۱۳۰ آل عمران - یا ایها الذین امنوا لا تأکلوا الربا اضعافاً مضاعفه و اتقوا اللہ لعلکم تفلحون.
- ۷۶- آیه ۱۲۲ توبه - و ما کان المؤمنون لیفر کافه، فلولاً نفر من فرقه منهم طائفه لیتفقها فی الدین و لینذروا قومهم اذا رجعوا الیهم لعلهم یحذرون.
- ۷۷- آیه ۱۰۴ آل عمران - و لتکن منکم امه یدعون الی الخیر و یأمرن بالمعروف و ینهون عن المنکر و اولئک هم المفلحون.
- ۷۸- کنتم خیرامه اخرجت للناس تأمرون بالمعروف و تنهون عن المنکر و تؤمنون باللہ.
- ۷۹- آیات ۱۱۳ و ۱۱۴ و ۱۱۵ عمران.
- ۸۰- ترجمه تفسیر المیزان - جلد هشتم - صص ۴۲۱ - ۴۲۲.
- ۸۱- آیه ۲۱۳ سوره بقره، آیه ۲۱۵ سوره مؤمنن و آیه ۶۴ سوره آل عمران.
- ۸۲- آیه ۵۵ سوره نور.
- ۸۳- تفسیر آیه ۲۰۰ سوره آل عمران، (مجمع البیان - دفاع از مسلمانان و دین).
- ۸۴- ترجمه تفسیر المیزان - جلد چهارم - صص ۱۹۶.